

چامه ای که در این نوشتار گزینش کردم قطعه ایران زمین سروده حسین پژمان بختیاری است. می خواستم تنها از چامه ی این شاعر بزرگوار استفاده کنم ولی شایسته دانستم که یک معرفی هر چند کم از این شاعر را هم بیاورم کسی که عمرش را برای اعتلای فرهنگی جامعه اش صرف کرده. روانش شاد و نامش گرامی

حسین پژمان بختیاری از شاعران و نویسندگان معروف اواخر عصر قاجار و دوره ی پهلوی متولد سال 1279 و در سال 1353 خورشیدی جان به جان آفرین تسلیم کرد. پدرش علی مرادخان از بزرگان مشروطه طلب ایل بختیاری بوده است. مادر وی عالمتاج قائم مقامی از نوادگان قائم مقام فراهانی نویسنده ی صاحب سبک و وزیر نامی دوره ی قاجار نیز از شاعران نام آور عصر و دارای دیوان چاپ شده با نام دیوان ژاله قائم مقامی است

از آثار چاپ شده ی پژمان بختیاری می توان به مجموعه های: بهترین اشعار، زن بیچاره، خاشاک، محاکمه شاعر، اندرزیک مادر، کویر اندیشه، تاریخ پست و تلگراف در ایران و تصحیح متون: لسان الغیب دیوان حافظ، دیوان جامی، ترانه های خیام، خمسه نظامی دیوان ژاله قائم مقامی و ... اشاره کرد. هم چنین آثار چاپ نشده ی چون سخن وران پارسی گو، گویش بختیاری و تاریخ منظوم اشکانیان را می توان به کارنامه ی علمی و ادبی این نویسنده و شاعر معاصر افزود

محتوای موضوعی، مجموعه ی شعر موسوم به کویر اندیشه روانشاد حسین پژمان بختیاری بسیار جالب است میزان تعلق خاطر این شخصیت ادبی و علمی نسبت به دو عنصر هویت ملی (ایرانی)؛ یعنی سرزمین ایران و زبان فارسی به در خور اندیشه است. پژمان در طول زندگی هفتاد و چهار ساله اش، شاهد دوران شکوفایی و پژمردگی انقلاب مشروطه و تحولات حکومتی قاجار و پهلوی و جنگ های اول و دوم جهانی، نهضت ملی شدن نفت به رهبری دکتر مصدق و برخی جدا سری های محلی در بلاد مرزی ایران بوده است

پژمان به عناصر فرهنگی ایران عشق می ورزید و در آثارش به ایران و زبان فارسی بیش از هر چیز می پرداخت. از میان عناصر هویت ملی، دلبستگی پژمان به سرزمین ایران و مام میهن درخششی کم نظیر دارد. از جمله اشعاری که پژمان در این ایام سروده قطعه ای است با نام ایران زمین. شاعر در آغاز آن آورده: این قطعه شعر در پایان 1320 که همه چیز ما مرهون و

معروض بی احترامی متجاوز روس و انگلیس و بیگانه پرستان داخلی شده بود گفته و منتشر شد

اگر ایران به جز ویران‌سرا نیست؛
من این ویران‌سرا را دوست دارم
اگر تاریخِ ما افسانه‌رنگ است؛
من این افسانه‌ها را دوست دارم
نوایِ نایِ ما گر جان‌گداز است؛
من این نای و نوا را دوست دارم
اگر آب و هوایِش دل‌نشین نیست؛
من این آب و هوا را دوست دارم
به شوقِ خارِ صحراهایِ خشک‌ش،
من این فرسوده‌پا را دوست دارم
من این دلکش زمین را خواهم از جان
من این روشن‌سما را دوست دارم
اگر بر من ز ایرانی رود زور،
من این زورآزما را دوست دارم
اگر آلوده‌دامانید، اگر پاک
من ای مردم، شما را دوست دارم

یکی دیگر از ارکان هویت یک ملت، زبان مشترک و سرمایه ی ادبی آن هاست. این سرمایه ی ادبی شامل زبان مشترک . مشاهیر و نام آوران ادبی و مکتوبات ادبی بر جای مانده است. به طور مثال، در ایران، زبان فارسی میراث مشترک و تاریخی همه ی ایرانیان، بلکه میراث فرهنگی حوزه ی تمدن ایرانی در منطقه به شمار می رود. اهتمام پژوهشگران به این بخش از هویت ایرانی حایز اهمیت است. در این بخش، شاعر از برخی سبک های نو، که بحر و قافیه را از شعر فارسی حذف می کنند اظهار نارضایتی می کند. بزرگ ترین سرمایه ی تفاخر و سربلندی ایران و زبان فارسی و مشاهیر بلند آوازه اش می داند

راهش مستدام باد. نامش همواره با ایران و ایرانش همیشه جاوید